

از کتاب امیل .

هیچکس از حقیقه نیکبختی و تیره روزی خویش آگاه نیست ، همینقدر میدانیم که علت بدبختی ما متناسب نبودن آمال ما با توانائی و استعداد ماست . غالباً تصورات واهی و بی اساس دائره آمال ما را توسعه میدهد و اینگونه تصورات برای نوع بشر بسیار مضر و خطرناکست . انسان اگر بخواهد همیشه با سعادت و نیکبختی همدوش باشد ، باید اراده و آزادی خود را با قدرت خویش بسنجد و پا از حدود توانائی فراتر نگذارد .

۹۵

ملاحظات مذکوره را اهمیت بسیار است ، و تنها مراعات آنها میتواند باختلافات و ضدیتهای اجتماعی بشر خاتمه دهد . در دنیا اصولاً اطاعت بر دو نوعست : یکی اطاعت از اشیاء و جمادات که فی الحقیقه اطاعت از طبیعت است و موجود عیب و اشکالی نیست ، چونکه اشیاء فاقد اخلاقند و اطاعت از آنها بازادی بشر صدمه ای نمیزند . دیگری اطاعت و بندگی از انسانست ، که چون برخلاف قواعد طبیعی است موجب عیوب و اشکالات بیشمار گردیده است .

همیشه باید سعی کرد که اطفال در آغاز زندگی تنها از اشیاء اطاعت کنند و در دوره تربیت از پیروی اوامر طبیعت منحرف نشوند . در مقابل میل و اراده ناپسند و خالی از حزم و احتیاط اطفال همیشه موانع طبیعی ایجاد کنید و سعی نمائید که اعمال ناپسند بخودی خود طغرا تنبیه کنند .

بدین طریق بدی اعمال هیچگاه از ذهن او دور نخواهد شد و بدون اینکه از شما رنجیده خاطر شود از پیروی آنها اجتناب خواهد نمود. باید پیوسته کاری کرد که بجای قانون، تجربه یا ضعف و ناتوانی بر طفل حاکم باشد. باخواهشهای او نباید موافقت کرد، مگر وقتی که حقیقتاً بآنچه میخواهد محتاج باشد. مراقب باشید که اگر مطیع کسی میشود و یا اگر کسی را محکوم خویش میسازد، بمعنای حقیقی اطاعت و حکمرانی پی نبرد و هر کس را در اعمال خویش آزاد تصور کند. همیشه بر قدرت او آقدر کم کنید که بتواند از آزادی خود استفاده نماید، نه آقدر که بر سایرین حاکم شود و آزادی دیگران را متزلزل سازد. طبیعت برای تقویت بدن و پرورش آن وسائلی را بکار میبرد که مخالفت با آنوسائل خطای محض است. مثلاً نباید طفلراً زمانیکه میل براه رفتن دارد و ادار بایستادن نمود و یا بالعکس موقعیکه میخواهد در محلی توقف کند، بحرکت مجبورش کرد. زیرا اگر باخط و خطای خود آزادی اطفال را ضایع نکنیم از آنها ابدأ رفتار بیقاعده سر نمیزند. باید بانها اجازه داد که بمیل خود بدوند، فریاد کنند و جست و خیز نمایند. زیرا کلیه اینحرکات برای نمو و رشد روح و جسم آنها لازمست. ولی پیوسته باید آنها را از حرکاتیکه با قدرت و توانائی آنان منافست مانع شد...

گاه میشود که اطفال گریه را وسیله بندست آوردن چیزی قرار میدهند تا بدین ترتیب زودتر بمقصود نائل شوند، دراین صورت واجبست که از موافقت با طفل خود داری نمایند و بگریه او واقعی نگذارند، چون اگر در اینگونه مواقع مقصود

او را اجابت کنید بگریستن تشویقش کرده‌اید و خود را در نظر او رحیم و نازک دل معرفی نموده بشوت رسانیده‌اید که گریه و زاری در شما از خیرخواهی او مؤثرتر است. اگر طفل بخوبی شما بدگمان شود بزودی بدطینت و شرور خواهد شد و اگر شما را ضعیف مشاهده کند لجوج و بی‌تربیت خواهد گردید. اگر چیزی را برای طفل خود لازم میدانید بمحض آنکه آنرا درخواست کرد، تسلیمش کنید و در مخالفت با میل او لجاجت ننمائید، اما اگر از راه خیرخواهی با میل طفل مخالفت کردید، دیگر از مخالفت خود برنگردید و بگریه و زاریش رحم نکنید.

۹۷

هیچوقت نباید باطفال دستور تواضع و فروتنی داد و نباید جملاتی را که از مراسم ادب بشمار میرود و برای طفل وسیله مطیع ساختن دیگران میشود باو آموخت. تربیت اغنیاء همیشه آمیخته بتشریفات و تعارفاتست و بهمین سبب اطفال آنها متکبر و خود پسند میشوند، چون آنها را کلماتی می‌آموزند که برای مطیع ساختن مردم بکار میرود و بهمین جهت هیچگاه لحن صحبت آنها باخواست و تمنی آمیخته نیست و اغلب آمرانه و بتکبر آلوده است. بدو مشاهده میشود که جمله معمولی «اگر مایل باشید» از دهان آنها بمعنای «مایل هستم» و جمله «خواهشمندم» بمعنای «امر میکنم» بیرون می‌آید. این طرز تربیت خیلی بد است و اطفال را بتکبر و خودپسندی و بالاخره به تبلی معتاد میکند. بعقیده من اگر طفل بجای «خواهشمندم فلان کار را بکنید» بگوید «اینکار را بکنید» خیلی بهتر است.



در مورد اطفال سختگیری بسیار و اغماض و افرهیچکدام پسندیده نیست و از هر دو باید احتراز کرد . اگر طفلرا بشدائد و مصائب پیشمار عادت دهید صحت و حیاتش را در خطر انداخته اید و اگر او را بانهایت دقت از هرگونه رنج و عذابی حفظ نمائید و ازینجهه درباره او افراط کنید او را « نازک نارنجی » و بیطاعت بار آورده و فی الحقیقه از مرادنگی محرومش ساخته اید . هیچوقت اطفالرا عادت ندهید که هرچه میل دارند بکنند و هرچه را میخواهند صاحب شوند . چون روز بروز دائره میل و آرزوی آنها وسیع میشود و طبعاً راضی کردن آنها مشکل و بالاخره امکان ناپذیر میگردد . عاقبت مجبور میشوید که از قبول خواهش آنها خود داری کنید ، آنوقت همان مخالفت شما باعث شکنجه و عذاب روحی طفل میشود ، چون تا آنزمان از شما مخالفتی ندیده و بان معتاد نشده است . مثلاً در ابتدا عصای شما را که در دست دارید میخواهد ، بعد ساعت را طلب میکند ، سپس مرغیرا که در آسمان میبرد درخواست مینماید و بالاخره میل میکند که ستاره آسمانرا برایش بزمین آورید و در اینصورت هنگامی میتوانید باتمام خواهشهای او موافقت کنید که قدرت خدائی داشته باشید !

انسان باقتضای خوی طبیعی کلیه موجوداتیرا که در دائره اقتدار او هستند از آن خود میشمارد . بنابراین طفلی که همیشه در آرزوی خود بمقصود نائل شده است خود را مالك دنیا میندازد و کلیه مردم را بنده و فرمانبردار خویش تصور میکند و اگر زمانی مجبوراً یکی از خواهشهای او را

انجام ندهید ، چون برحسب عادت کلیه اوامر خود را انجام پذیر میدانند ، گمان خواهد برد که میخواهید از فرمانش سرپیچی کنید . آنوقت کلیه دلائلی را که برایش اقامه کنید عذر و بهانه خواهد پنداشت و تصور خواهد نمود که مورد ظلم و بی مهریش قرار داده‌اید و کینه مخصوصی از شما در دل گرفته مهربانیهای گذشته را بکلی فراموش خواهد کرد .

آیا میتوان چنین طفلی را که پیوسته محکوم خشم و کینه است خوشبخت و سعادتمند شمرد ؟ من اطفالی را که بسینطرز تربیت شده‌اند دیده‌ام که میل داشته‌اند کسی بایک فشارخانه‌ای را سرنگون کند تا خروسی را که بر بام‌خانه نشسته است بگیرند ، یا مایل بوده‌اند که قشونی در مقابل آنان توقف کند تا صدای موزیک آنرا بیشتر بشنوند ، و در صورتیکه کسی اینگونه خواهشهای آنانرا اجابت نکند ، با فریاد های خود آسمان را سوراخ مینمایند .

پرونده علوم انسانی و مطالعات تربیتی

تلاش جامع علوم انسانی

بزرگترین پل دنیا .

اخیراً در حوالی سان فرانسیسکو پلی ساخته‌اند که بزرگترین پلهای دنیاست . طول این پل یک کیلومتر و نیم و سرتاسر از آهنست ، پایه‌های دوگانه این پل را سیصد متر ارتفاع میباشد ، بقسمیکه فی الحقیقه میتوان گفت دو برج ایفل آنرا بر روی آب نگاهداشته . ۲۵ میلیون دلار یعنی تقریباً بودجه یکسال مملکت ایران خرج ساختن آن شده است .